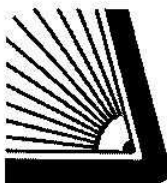


۱۴۰۵ ۹۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَبِالْهُدَى وَبِالْهُدَى

آرش

جمشاد خانیپور



انتشارات نظری

سرشناسه	: خاکپور، جمشاد / ۱۳۵۲
عنوان و نام پدیدآور	: آرش / جمشاد خاکپور
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۳۰۴ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۴۰۳-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ۴۴۴ آ ۶۵۲ الف / ۸۳۴۲ PIR
رده‌بندی دیوید	: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۶۸۷۲۳



انتشارات نظری

نام کتاب : آرش

نویسنده : جمشاد خاکپور

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۵

شمارگان : ۱۰۰۰

« کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر می‌باشد »

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی‌عصر (عج)، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی (یوسف آباد)
- نبش خیابان فتحی شقاقی، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱۷

info@nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

www.nashrenazari.com

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت : ۲۰۰۰۰۰ ریال

پیش گفتار

بدون شک، وجه تمایز هر جامعه ای، باورها و سنتهای مردم آن جامعه است. مراسم آیینی و مذهبی، ازدواج، خاکسپاری، لباس پوشیدن، غذا خوردن، ساختار و شکل خانه ها، ساختمان ها، معابد، بازارها و مکان های عمومی، ارتباط زن و مرد یا ارتباط دهک های گوناگون جامعه، همگی ریشه در باورها و سنت های مردم آن جامعه دارند. حال آن که تمامی این باورها و سنت ها یا از آموزه های دینی سرچشمه گرفته اند و یا ریشه در داستان های کهن دارند. داستان های غیر حقیقی مانند انسان ها، مثل ها، قصه های شاه و پریان و داستانهایی که در آنها حیوانات در قالب های انسان نمای نقش می کنند و داستانهای حقیقی مانند تاریخ و اسطوره. داستان های اساطیری واهی آنکه اتفاق افتاده باشند یا خیر، داستان هایی حقیقی هستند. آنها نمونه هایی آرمانی از جوامع مردم کهن می باشند. در این داستان ها معمولاً سه المان ثابت وجود دارد: خدایان، پهلوانان ابر قدرت و مردم. می توانند حکایتی شاخ و برگ یافته از یک رویداد تاریخی باشند که در طول سالها و قرن ها با انتقال سینه به سینه از نسل های گذشته، شخصیت های آن رویدادهای تاریخی، به صورت قهرمانانی با نیروهای ماوراء الطبیعه درآمده باشند. همچنین گاه اسطوره، از ناتوانی بشر در توصیف و تعریف عوامل طبیعی پیرامونش

شکل گرفته است. چنین اسطوره‌هایی همیشه به صورت خدایان متصور شده‌اند. نظیر وایو که در اساطیر کهن ایران زمین به عنوان خدای باد شناخته می‌شود و یا چشمک که اهریمن (خدای بدی) زلزله و گردباد است. خدایان عوامل طبیعی، چه خوب و چه بد، برای مردم کهن با شخصیت‌های قصه‌های شاه و پریان، کاملاً متفاوت بوده و اقوام باستانی آنان را ذاتاً حقیقی دانسته و به آنها به عنوان نیروهای طبیعی باور داشته‌اند. چرا که معلول این علت‌های ساختگی، باران، باد، زلزله، آتشفشان، آتش، آب، دریا و غیره عواملی کاملاً حقیقی بودند. اند که انسان‌های کهن بدون توانایی توصیف آنها، در ارتباط تنگاتنگ با مزایا و زیان‌های این عوامل بوده‌اند.

بحث و گفتگو درباره اساطیر بسیار است، لیکن این موضوع در حوزه تخصصی این حقیر نبوده و ترجیح می‌دهم - وود دانش اساتید بزرگوار این فن بهره بجویم. اما به عنوان یک نویسنده از سویی افتخار می‌کنم که فرزند ایران زمین، سرزمینی با فرهنگ کهن، با اساطیر و باوری‌هایی بسیار غنی و درخشان هستم و از سوی دیگر نگرانم که چرا بسیاری از مردم، حتی نام برخی از بزرگترین اساطیر کشورشان را نمی‌شناسند. بی‌شک این اسطوره‌ها بن‌مایه فرهنگ ایرانی و همچنین فرهنگ تمام مردم و اقوامی هستند، که در کشورهای این منطقه زندگی می‌کنند. و این نخستین وظیفه نویسندگان و هنرمندان است که با ارائه تصاویری روشن، درخشان، قابل لمس و قابل خیال پردازی، اسطوره‌های کشور را به نسل آینده بشناسانند. گرچه ارزش کار آکادمیک در این حوزه بر کسی پوشیده نیست، لیکن تا زمانی که کودکان ما در خیالاتشان لباس رستم به تن نپوشند و با تیر کمان به جنگ اشکبوس نروند، نمی‌توان انتظار داشت که مردم در آینده، از فرهنگ اساطیری‌شان آگاهی چندانی داشته باشند. گاه یک داستان، یک انیمیشن و یا یک نقاشی می‌تواند تأثیری بسیار شگرفی در شناخت مردم از ماهیت فرهنگی خودشان به جای گذارد. با چنین هدفی، حقیر بر آن شدم تا به بهانه ساختن

داستانی خیالی از زندگی آرش کمانگیر، بسیاری از اساطیر و داستانهای کهن را به تصویر کشیده، و در حد بزاعت خویش، گاهی هرچند کوچک در جهت شناساندن اسطوره های ایران زمین برداشته باشم.

داستانی را که پیش روی دارید، یک داستان کاملاً خیالی و غیر حقیقی از زندگی آرش کمانگیر است. چرا که اصولاً داستان کاملی از زندگی آرش کمانگیر در متون کهن موجود نیست. اما این داستان خیالی، از داستان های حقیقی (از دید اسطوره ای) بسیاری تشکیل شده است که لازم می دانم در اینجا اشاره کوچکی به عناوین برخی از داستانهای مذکور نمایم. داستان جنگ منوچهر و سلم و تور از شاهنامه، نبرد تیشتر و اپوش در اوستا، داستان فته دن هومه توسط پدран اساطیر بی مرگ، عشق میان افراسیاب و سپندامذ و بستن آب بر اوان، اشاره ای کوچک به مراقبت سیمرغ از فرزندی سید موی (زال)، داستان منازعه یوست بریان و جادوگر اهریمنی به نام اخت و در نهایت داستان مشهور تیر اندازی آرش کمانگیر.

هم چنین کتاب مذکور شامل هشتاد شخصیت داستانی می باشد که از این تعداد، شانزده شخصیت کاملاً غیر واقعی هستند و توسط نویسنده - جهت ساختن و تکمیل فضای داستان خلق شده اند. لذا برای جلوگیری از خدشه دار شدن اصالت شخصیت های اسطوره ای و متمایز نمودن اساطیر حقیقی از کاراکترهای ساختگی نویسنده، در آخر کتاب فهرستی تنظیم گردیده که به صورت اجمال در مورد تمامی شخصیت های کتاب توضیح داده شده است. در آنجا شخصیت های ساختگی به وضوح مشخص گردیده اند. به علاوه، در میان شخصیت های داستان، اسطوره هایی نیز هستند که در داستان های کهن وجود دارند، لیکن در این داستان، با حفظ ویژگی های اسطوره ای شان، به شکل دیگری و با موضوع هایی خیالی و بی ارتباط با داستان کهن، در این داستان نقش آفرینی نموده اند. مانند اکوان، شرح این گونه شخصیت ها نیز به روشنی در فهرست

مذکور آورده شده است.

در آخر، با کوششی که در هفت سال گذشته جهت گردآوری و ساختن کتاب مذکور نموده ام، امیدوارم توانسته باشم گام کوچکی در جهت اعتلای فرهنگ کشور پرگوهر و سرافرازمان، ایران برداشته باشم. هم چنین امیدوارم که این اثر، انتقادهای بسیاری را برانگیزد و فح بابی گردد تا حقیر بتوانم از طریق آن از نظرات فرهیختگان و بزرگان ادبیات آگاه نموده و از آنان بیاموزم. کشور ما سرشار از ادیبان، نویسندگان و هنرمندان برجسته است. اما وارم در آینده، بیش از پیش، شاهد خلق اثراتی در قالب داستان، نمایشنامه، نقاشی، مجسمه سازی، فیلم، انیمیشن و غیره باشیم که بازگو کننده فرهنگ و اساطیر دینی و ملی مردم این سرزمین باشند.

آرش کاظمی

به نام سخن دان ایران زمین	وزاره فروسی پاک بین
یکی داستان ز آرش نامور	معلم از آرش کرد و الا کوهر
که استاد طوسی گفتی از اوی	از این نا نوشته تو بروی محی
که ایران پر از نمداران بود	که ملک شه و شیر یاران بود
کسی در اوستا رستم ندید	ز شناسنامه آرش بشد ندید
بودند عظم و بشر اسرای	در ایران بسی گونه کون است رای
نیاید ز گستره دومان گزند	پی کلخ فروسی از جند
من اورا زخم بوسه بردست و پای	که او بود زین ره مرار نه پای



ز جش و سرور که تیرگان	بگویم غم پهلوانی جوان
اگر سرگذشتش پر از غم بود	به کیتی چون او در جهان کم بود
روانمان از این قصه آتش ز غم	دم از قهرمانی چو آتش ز غم
شده پلوانی و افتادگی	خدای دلیری و آزادی
زمین پرستی جهان گیر شد	کز آن بود کارش کانگیر شد

جمشاد خاکپور

www.ketab.ir